



اعتراض موسویان به تحریف مصاحبه اش در دوپچه وله درباره میکونوس

تاریخ: ۰۲ مهر ۱۳۹۱ - ۱۳:۲۲

کد خبر: ۷۷۴۷۳

در حالی که دوپچه وله (صدای آلمان) با انتشار مصاحبه ای حسین موسویان به نقل از وی حادثه میکونوس را کار عوامل خودسر معرفی کرده بود، حسین موسویان با ارسال اصل مصاحبه خود با دوپچه وله که بصورت مکتوب انجام شده بود از تحریف این مصاحبه انتقاد کرد.

به گزارش بازتاب؛ مصاحبه موسویان به شرح زیر می باشد:

من صبح روز بعد از ترور، وقتی ساعت هفت صبح طبق معمول به سفارت مراجعه کردم، یعنی رفتم بروم سر کارم، دیدم سفارت محاصره است. شوکه شدم. حتی شب که این اتفاق افتاده بود، خبر را نشنیده بودم. وقتی رفتم داخل سفارت، گفتم چی شده که سفارت را محاصره کرده‌اند؟ گفتند: دیشب در برلین یک تروری اتفاق افتاده.

اصل واقعه برای من یک شوک بود. به این دلیل: در سپتامبر 1990، وقتی که من به عنوان سفیر در آلمان تعیین شدم، آقای هاشمی، رییس جمهور، به من گفت که وظیفه شما این است که بروید روابط ایران با اروپا را از درب آلمان بازسازی کنید. ایشان همچنین گفت که بهبود روابط با اروپا می‌تواند خصومت‌های بین ایران و آمریکا را کاهش بدهد.

من موفق شدم در دو سال اول مأموریت، حدوداً مقامات نیمی از وزارتخانه‌های کابینه ایران و آلمان را مبادله کنم. اولین کمیسیون مشترک فرهنگی ایران و آلمان تشکیل شد؛ اولین کمیسیون مشترک اقتصادی ایران، بعد از انقلاب، تشکیل شد؛ "هرمس"، سقف بیمه را باز کرد، یعنی بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۹۲، هرمس برای ایران حدود ۱۴ میلیارد مارک اعتبار باز کرد که در تاریخ هرمس بی‌سابقه بود و ایران بعد از برزیل بیشترین اعتبارات را دریافت کرد؛ روابط مستقیم تلفنی میان آقای کهل (صدراعظم وقت آلمان) و آقای هاشمی برقرار شد..... حادثه‌ی برلین مثل یک بمبی بود که زیر ساختمان جدید روابط ایران و آلمان گذاشته شد. بعد از حادثه به تهران رفتم، با رییس جمهور و با وزیر اطلاعات ملاقات کردم. آن‌ها گفتند که ایران در این قضیه دست نداشته. وزیر اطلاعات هم گفت که ما حاضریم تا آخر این قضیه با آلمان‌ها همکاری کنیم، بینیم پشت این صحنه چه کسی بوده. به خاطر این موضع، آقای فلاحیان معاون خود را در یک مأموریت سیری و محرمانه به آلمان فرستاد. من ملاقات‌های معاون آقای فلاحیان را با عالی‌ترین مقامات امنیتی آلمان تنظیم کردم. نه تنها اشمیت باور، "BND" "فرافاسونگ شوتس"، همه‌ی آن‌ها. معاون آقای فلاحیان با همه ملاقات کرد.

اما مقامات امنیتی آلمان و ایران من را توی مذاکرات راه ندادند. یعنی چه مقامات امنیتی آلمان، چه مقامات امنیتی ایران، نمی‌خواستند من به عنوان سفیر ایران در ملاقات‌ها حضور داشته باشم. من دیدم از وزارت خارجه‌ی آلمان هم کسی در ملاقات‌ها نیست. بنابراین نمی‌خواستند که وزارت خارجه‌های ایران و آلمان در مذاکرات امنیتی‌شان حضور داشته باشند. اما معاون آقای فلاحیان بعد از ملاقات به من گفت که ما برای همکاری کامل جهت کشف عوامل ترور، اعلام آمادگی کردیم. سفر معاون وزیر اطلاعات ایران در فاصله کوتاهی بعد از حادثه انجام شد که گفتگوها عمدتاً در مورد این حادثه بود. حدود یکسال بعد آقای فلاحیان به آلمان سفر کرد که مذاکراتشان ربطی به میکونوس نداشت و همکاری‌های کلی در مورد مبارزه با مواد مخدر، جنایات سازمان یافته، تروریسم و موارد انسانی در سطح خاور میانه بود.

وقتی رأی دادگاه صادر شد، در آن رأی از، آقای خامنه‌ای رهبر، آقای هاشمی رییس جمهور، آقای ولایتی وزیر خارجه و آقای فلاحیان وزیر اطلاعات به عنوان افرادی که عضو کمیته‌ای هستند که تصمیم به این ترور گرفته و باید تعقیب بشوند، نام برده شده بود. منتها بلافاصله بعد از رأی، خود دولت آلمان بیانیه‌ای داد و به طور مشخص اعلام کرد که تعقیب رهبر و رییس جمهور و وزیر خارجه مبنای قانونی ندارد. این بیانیه‌ی دولت آلمان بود. یعنی دولت آلمان خودش غیرمستقیم رأی دادگاه برلین را به چالش کشید.

تمام مبنای رأی هم، بر اساس اظهارات "شاهد سی" صادر شده، فردی به نام "شاهد سی" که من این فرد را نه دیده بودم، نه می‌شناختم. فقط در رسانه‌های آلمان می‌خواندم "شاهد سی" که رفته بود در دادگاه اعلام کرده بود که کمیته شامل این افراد است و این کمیته تصمیم گرفته و ادعا کرده بود که خودش عضو سرویس اطلاعاتی ایران بوده است.

آقای بنی‌صدر که ۱۳۶۰ از ایران فرار کرده، او آمده بود در دادگاه برلین شهادت داده بود که حرف‌های این آقا درست است. آقای بنی‌صدری که بیست سال اصلاً در ایران نبوده بود، او آمده بود در دادگاه برلین شهادت داده بود که حرف‌های این فرد درست است.

بعد من بررسی کردم، دیدم این آقای "شاهد سی"، ابتدا از ایران به پاکستان رفته، در پاکستان از سفارت فرانسه پناهندگی گرفته، در اختیار سرویس اطلاعاتی فرانسه قرار گرفته، بعد سرویس اطلاعاتی فرانسه، او را در اختیار سرویس اطلاعاتی انگلیس قرار داده و بعد از انگلیس هم به دادگاه برلین آمده. این اطلاعاتی است که در روزنامه‌های خود آلمان هم منتشر شد.

معما وقتی برای من بیشتر شد، که روزنامه‌ی "فرانکفورتر آگماینه" نامه‌ی "شاهد سی" را چند هفته بعد از رأی دادگاه چاپ کرد. روزنامه‌ی "فرانکفورتر آگماینه" هم که می‌دانید روزنامه‌ی معتبری است. مضمون نامه این بود که شاهد سی گفته بود که «به من قول داده بودند در قبال چنین اظهاراتی به من پناهندگی بدهند، نیازهای مالی من را تأمین کنند و به من پاسپورت بدهند و آن‌ها به قولشان عمل نکردند و همه‌ی این اظهارات بی‌اساس است».

بهر حال بعد از رأی، ایران و اروپا سفرای خود را فرا خواندند. من هم در این چهارچوب به تهران رفتم. در ایران هم، هیچ چیز و هیچ مدرکی، سندی، دلیلی، جلسه‌ای که برای من بتواند روشن کند که دولت یا وزارت اطلاعات در این قضیه دخالت داشته، کشف نشد. اما معما باز هم برای من پیچیده تر شد زمانی که قتل‌های زنجیره‌ای در ایران اتفاق افتاد و مقام رهبری و دستگاه قضایی اعلام کردند که عاملین قتل‌های مذکور عواملی خودسر و مزدوران صهیونیست بوده‌اند. برخی جرایم ایران هم نوشتند که برخی از ترورهای در خارج کار این عوامل خودسر بود. اخیراً هم آقای هاشمی در مصاحبه‌ای به این عوامل خودسر در مورد حادثه میکنوس اشاره کردند.

من از چیزی که بیشتر از هر چیزی متأسفم، این است که این حوادث موجب تخریب وحشتناک روابط ایران و اروپا شد و تمام زحمات دیپلماسی ایران و وزارت خارجه‌ی ایران و دیپلمات‌های ایران و دولت ایران و حتی استراتژی رییس‌جمهور و رهبری ایران را به طرز عجیب لطمه زد و من نمی‌توانم خودم به هیچ وجه باور کنم که رییس‌جمهور ایران که هدفش بهبود روابط با آلمان است، هدفش بهبود روابط با اروپا است، هدفش بهبود روابط با آمریکا است، صریحاً به من برای توسعه روابط مأموریت می‌دهد و با تمام قدرت از مأموریت من حمایت می‌کند، در این ماجراها دخالت داشته باشد. آقای هاشمی خودش مستقیماً وارد مذاکرات تلفنی دوره‌ای مستمر با صدراعظم آلمان شد برای همکاری‌های فراتر از روابط ایران و آلمان و بحث‌های بسیار مهمی در سطح سران برای امنیت منطقه، همکاری ایران و اروپا برای امنیت منطقه مطرح شد. بنابراین چنین عملی که تخریب روابط ایران و اروپا را در پی دارد، طبیعتاً برای من باید معمای بزرگی باشد که هنوز هم برای من معماست.